



علم انرژی باطنی

دکتر فوز کُردی | فاطمه محیی الدین



علم انرژى باطنى |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم انرژی باطنی

در سال‌های اخیر اصطلاح «انرژی» در سراسر جهان و در عالم اسلامی ما نیز با معانی جدیدی غیر از آنچه که قبلاً می‌دانستیم رواج یافته است، که مقصود از آن انرژی حرارتی و الکتریکی و دگرگونی‌های فیزیکی و شیمیایی مختلف آن اعم از انرژی پنهان یا جنبشی یا موجی نیست. انرژی مورد نظر با توجه به مفاهیم فلسفی و عقاید شرقی، «انرژی کیهانی» است. انرژی اعجاب‌انگیزی است که ادعا می‌کند در جهان هستی پراکنده شده است و به گفته کاشفان و معتقدان آن در میان پیروان ادیان شرقی، این انرژی از «یک کُل» بوجود آمده و از آن نشأت می‌گیرد، همان کُلّی که هستی از آن شکل گرفته است و به آن باز می‌گردد و این انرژی دارای همان قدرت و نفوذ است، زیرا این انرژی پس از

ظهور بر ویژگی‌های خود باقی می‌ماند (نامرئی، بدون شکل، بدون آغاز و پایان) این ویژگی‌ها بر خلاف بخش دیگر انرژی است که موجودات و اجرام از آن نمود پیدا کرده‌اند و این باور همان عقیدهٔ پانتئیسم (وحدت وجود) با تغییرات و نام‌های مختلف آن مانند: «ذهن کامل، آگاهی کامل، بین و یانگ» است.

اما مروجان این عقیده از پیروان ادیان آسمانی و از جمله مسلمانان آن را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با اعتقاداتشان به خداوند تعارضی نداشته باشد. آن‌ها ادعا می‌کنند که این، انرژی عظیمی است که الله آن را در جهان آفریده است تا تأثیر شگرفی را بر روی زندگی، سلامتی، معنویات، احساسات، اخلاق و روش زندگی ما بگذارد.

این انرژی با دستگاه‌های اندازه‌گیری انرژی معمولی قابل اندازه‌گیری نیست بلکه آن‌ها ادعا می‌کنند آن را با دستگاه‌های خاصی مانند «آونگ» اندازه‌گیری می‌کنند و با توجه به جهت چرخش آونگ، انرژی منفی را از مثبت تشخیص می‌دهند. برخی از آن‌ها از «دوربین کرلیان» استفاده می‌کنند، دوربینی که

تخلیه‌های الکتریکی را به تصویر می‌کشد یا از «تصویربرداری حرارتی» یا تصویربرداری از یک جرقه «کرونا»^۱ یا دستگاه تشخیص اعصاب بهره می‌برند. این افراد مدعی‌اند این نتایج به دست آمده همان اندازه‌گیری انرژی‌های کیهانی در جسم و بدن است. آن‌ها در تلاش برای ساخت «انرژی کیهانی‌ای» هستند که بتوان همانند انرژی فیزیکی آن را اندازه‌گیری کرد تا با پوشاندن لباس علم برتن آن و دور کردنش از معانی دینی و فلسفه‌های بت‌پرستانه به وسیله این دستگاه‌ها و حقیقت آنچه واقعاً اندازه‌گیری می‌کنند، از ناآگاهی و نادانی مردم سوء استفاده کنند.

اما این انرژی که به نام «انرژی کیهانی» شناخته شده است، توسط فیزیکدانان به رسمیت شناخته نشده است زیرا این انرژی همان انرژی‌ای که آن‌ها می‌شناسند نیست و علمای شریعت و دین نیز آن را تأیید نمی‌کنند، زیرا آنان نیز معتقداند این انرژی همان نیرویی که ممکن است به صورت استعاری

۱ - کرونا پدیده‌ای است که در خطوط انتقال برق و به شکل هاله‌ای نورانی و معمولاً بنفش در

اطراف هادی‌ها تشکیل می‌شود. (مترجم)

به معنای عزم و ایمان بالا و مانند آن به کار گرفته شود، نیست. زیرا هر دو انرژی هیچ ارتباطی به روش‌های دریافت انرژی که پیروان انرژی کیهانی رواج می‌دهند، ندارد. این روش‌ها اعتقادات ادیان شرقی به ویژه چین و هند و تبت است و چیزی است که حاکمان دینی و رهبران مستبد آن‌ها اعم از جدید و قدیم آن را ترویج می‌کنند.

این انرژی در زبان‌ها و در تمرینات مختلف نام‌های مختلفی دارد. این انرژی را «چی»، «کی»، «پرانا» و «مانا» می‌نامند. مروجان مسلمان این باور ناآگاهانه یا به قصد فریب ادعا می‌کنند که مقصود از آن همان مفهوم «برکت» در میان مسلمانان است؛ چیزی است که در آن امور به آرامی پیش می‌رود و شخص مسلمان در وقت و سلامتی و حالات معنوی خود آن را احساس می‌کند. تعجب‌آور زمانی است که این پیروان تأکید می‌کنند که این انرژی همان برکت است و ویژه دین خاصی نیست و تنها مختص به مسلمانان نمی‌باشد. بلکه حتی نصیب «روشنفکران» ادیان شرقی بسیار بیشتر از اکثر مسلمانان امروزی

می‌باشد زیرا مسلمانان از «سیستم انرژی» در «کالبد اثیری» غافل شده‌اند و به موضوع «چاکراها و مسیرهای آن» اهمیتی نمی‌دهند.

انرژی کیهانی به دو نوع تقسیم می‌شود: انرژی مثبت که در عشق، صلح و آرامش یافت می‌شود و انرژی منفی که در نفرت، ترس و جنگ‌ها وجود دارد. بنابراین، پیروان این باور، از جمله برخی مسلمانان، خواستار زدودن انرژی‌های منفی از دنیا هستند، یعنی باید نفرت و ترس از دل‌های مردم حذف شود و علل آن‌ها مانند نقد، جدال و جنگ‌ها نیز برطرف شود.

این موضوع در میان مسلمانان به لطف و فضل خداوندی که حفظ دین را تضمین کرده و امت را بر طبق نصوص قرآن و سنت تربیت نمود، بسیار روشن است. ایمان بدون این عواطف و احساسات ایمانی، نمی‌تواند وجود داشته باشد. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «محکم‌ترین گره‌های ایمان، محبت و دشمنی در راه الله است»^۲ و چگونه عقیده بدون ولاء و براء بر پا

۲- به روایت احمد و طبرانی و حاکم و بزار. این حدیث حسن است.

می‌شود و چگونه پرچم «لا اله الا الله» بدون جهاد بالا می‌رود! و چگونه در امت بدون امر به معروف و نهی از منکر می‌توان به خیر و نیکی رسید؟

شیخ محمد قطب این احساسات را در کتاب خود «منهج تربیت اسلامی»، خطوط متقابل در نفس بشر نامیده است و با اندیشه روشن‌گرانه و فهم خود از نصوص قرآن و سنت تأکید کرده است که باید این «خطوط متقابل» را به شیوه‌ای متعادل تربیت کرد. به عبارت دیگر باید محبت در دل به صورت تپنده و محرک حفظ شود و به سمت محبت الله و رسولش - صلی الله علیه وسلم - و مؤمنان و نیز حب عبادات هدایت شود، همچنان که لازم است نفرت و بغض را در مقابل گناهان و دشمنان الله مانند مشرکان حفظ کرد و بر اساس احکام تفصیلی که در آن ذکر شده است باید با مخالفان الله و رسولش - صلی الله علیه وسلم - مبارزه کرد و گرنه ایمان برپا نمی‌گردد و اسلام کامل نمی‌شود.

مایه تأسف است که گروهی از امت محمد - صلی الله علیه وسلم - فریب تفکر «انرژی کیهانی» را خورده و حتی سعی در انتشار کاربردهای آن در سطح

جامعه اسلامی و این کشورهای پاک دارند که این امر حکایت از بازگشت به بت‌پرستی و نابودی تدریجی عقیدهٔ ولاء و براء دارد.

راه‌های جذب انرژی کیهانی (ابزار حلول و وحدت وجود):

جذب انرژی کیهانی از طریق چندین روش و تمرینات و سیستم‌های سبک زندگی و روش‌های درمانی انجام می‌شود. آن‌ها ادعا می‌کنند هر چه این ابزارها بیشتر با هم ترکیب شوند، نتیجهٔ حاصل شده مؤثرتر و رسیدن به روشنگری سریع‌تر خواهد بود. در ادامه به بررسی روش‌هایی که متأسفانه در این سرزمین مبارک آموزش داده می‌شود، خواهم پرداخت.

۱- از طریق نظام ماکروبیوتیک:

نظام ماکروبیوتیک نظامی جامع و فلسفه‌ای فکری دربارهٔ جهان و زندگی است که به توضیح ماهیت وجود و این که موجود نخستین چه کسی است و چگونه موجودات به وجود آمدند، می‌پردازد. این فلسفه مربوط به فلسفهٔ دیانت تائوئیسم و فلسفهٔ یونان باستان و مکتب بودیسمی زن است که به

یک کُل واحد اعتقاد دارند که همه موجودات از آن به شکل دوگانه، متضاد و هماهنگ یعنی از «یین و یانگ» به وجود می‌آیند. این فلسفه به بررسی چگونگی پدید آمدن موجودات و پیوستگی «یین و یانگ» در سایر موجودات می‌پردازد و بر اهمیت رسیدن به هماهنگی تأکید می‌کند تا همه چیز به وحدتی یکپارچه و هماهنگ برگردد. تا جایی که هیچ تفاوتی بین خالق و مخلوق، انسان و حیوان، گیاه و جماد و همچنین هیچ تفاوتی بین جنسیت‌ها و ادیان در دنیایی مملو از صلح و دوستی وجود ندارد و تفکر واحدی که مبتنی بر فلسفه «هماهنگی یین و یانگ» است برای رسیدن به اتحاد جهانی بر آن حکم می‌کند.

در سرزمین‌های عزیز اسلامی فلسفه ماکروبیوتیک در قالب دوره‌های آموزشی تغذیه‌ای ارائه می‌شود که به نظام هستی و فلسفه‌های متضاد «یین و یانگ» توجه می‌کند. در این میان تلاش می‌شود این تفکر فلسفی الحادی به نحوی به اسلام پیوند داده شود، از این رو مدرسان مسلمان این نظریه‌ها ادعا می‌کنند که مفهوم دوگانگی «یین و یانگ» به معنای زوجیت

ثابت و مطلق در آفریده‌های الله است، {و من کل شیء خلقنا زوجین} [ذاریات: ۴۹] (از هر چیز دو جفت آفریدیم) به طوری که تمامی اشیا از نرو ماده، مثبت و منفی، سفید و سیاه، گرم و سرد و تر و خشک تشکیل یافته‌اند. (توجه داشته باشید این سخنان در ظاهر درست بنظر می‌رسند همانگونه که دیگر شبهات این گونه‌اند).

نیروی «یین و یانگ» با توجه به نیروی عناصر پنج‌گانه: آب، فلز، آتش، چوب و خاک و همچنین تغییرات سیارگان و نیروهای روحانی آن‌ها تغییر می‌کند، در نتیجه مذکر به مؤنث و مؤنث به مذکر تبدیل می‌شود و مثبت به منفی و منفی به مثبت تغییر می‌یابد (توجه کنید میان معنای ظاهری که از زوجیت و مذکر و مؤنث می‌شناسیم تفاوت وجود دارد و دقت کنید معانی باطنی را با معانی ظاهری پوشانده‌اند تا بدین وسیله مردم را در آن چه که می‌شناسند به سردرگمی افکنند).

بر اساس این فلسفه به یک رژیم غذایی که بیشتر شامل حبوباتی مانند «گندم و جو»، سبزیجات برگ‌دار، ریشه‌های گیاهان و جلبک‌های دریایی

است، توصیه می‌شود و از مصرف غذاهای حیوانی و محصولات برگرفته از آن از جمله لبنیات و همچنین از عسل و میوه اجتناب می‌شود. به مصرف «میسو» که جوی تخمیر شده‌ای است که به مدت ۳ سال آن را زیرزمین قرار می‌دهند، توصیه می‌کنند و به آن خواصی نسبت می‌دهند که فراتر از خواص جسمی و سلامتی و فوایدی است که برای حالات روحی انسان دارد، به گونه‌ای که ادعا می‌کنند از خانه در برابر تشعشعات هسته‌ای در صورت وقوع جنگ هسته‌ای محافظت می‌کند!

رژیم غذایی ماکروبیوتیکی را فیلسوف ژاپنی «جورج اوشاوا» ابداع کرد که ترکیبی از بودیسم زن و آموزه‌های نصرانیت و برخی اصول پزشکی غربی می‌باشد. این رژیم بدون تردید شامل عادات غذایی و شیوه‌های زندگی سودمندی مانند: توجه به نوع غذا و مبارزه با پرخوری و اهمیت خوب جویدن غذا است. (در این رژیم در جویدن غذا مبالغه عجیب و غریبی می‌شود تا جایی که دوره‌هایی برای تمرین جویدن برگزار می‌کنند بدین صورت که لقمه را باید پس از ۴۰ تا ۶۰ بار جویدن قورت داد و این مقدار برای شخص بیمار - فرقی

نمیکند چه نوع بیماری داشته باشد - حداقل ۲۰۰ بار جویدن پیش از قورت دادن لقمه است!!)

این سودمندی‌ها و منافع لباس حق بود که بر تن باطل آن پوشاندند و بسیاری از مردم را که مجذوب آن شده بودند به اشتباه انداختند بنابراین مردم کوشیدند نصوص دینی و سنت نبوی در زمینه غذا را بر اساس این آموزه‌ها مطالعه و تفسیر کنند و از تعارضات فلسفی بنیادین مانند «بین و یانگ» با اعتقادات مسلمانان و همچنین از عقاید مرتبط با «عناصر پنج‌گانه»، «هفت کالبد»، «سیستم انرژی» و «چاکراها» غافل شدند یا خود را به غفلت و تجاهل زدند.

افزون بر این توصیه‌های مبنی بر پرهیز از مصرف لبنیات و گوشت و عسل دارد که با منهج و اصول تغذیه در اسلام که مبنی بر حلال و حرام بر اساس شریعت شریف است، تعارض دارد؛ منهجی که در آن گوشت، پاک و لبنیات، با برکت و عسل، سودمند و شفا بخش است و همچنین با اصل نه افراط و نه تفریط که عبارت است از: «تقسیم معده به سه قسمت بدین صورت که یک سوم آن

برای غذا و یک سوم آن برای نوشیدنی و یک سوم پایانی برای هوا و نفس کشیدن است» و سایر آداب غذا خوردن بر اساس سنت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تعارض و منافات دارد.

دوره‌های ماکروبیوتیک فراتر از رژیم‌های غذایی و آگاهی بخشی سلامت است و شامل تمام جوانب زندگی می‌شود. این دوره‌ها شامل تمرینات تنفسی تحول آفرین، تمرینات آرامش بخشی و مدیتیشن ماورایی است که افراد را به یادگیری مهارت‌ها و تمریناتی برای کار با «سیستم انرژی» و «چاکراها» از طریق روش‌هایی مانند: «ریکی» و «چی کونگ» و «یوگا» و موارد دیگر تشویق می‌کنند.

علاوه بر این به ویژگی‌های روحانی ادعایی (دروغین) و طبیعت اشیا توجه می‌کنند. به زعم آن‌ها شمع‌ها باعث جلب محبت و سنگ کهربا موجب افزایش اعتماد به نفس و رنگ سبز منجر به درمان کلیه‌ها می‌شود و مانترا (اوم...اوم...اوم) - اوم نام یک بت هندو به زبان سانسکریت است - می‌تواند بیماری‌های مختلف را شفا دهد (مانترا یک کلمه خاص است و غالبا اشاره به

نام یک بت در ادیان شرقی دارد) در زمان باز شدن هر «چاکرا» یا در هنگام مراقبه (مدیتیشن) و تمرکز برای جمع‌آوری انرژی به شکل متمرکز برای استفاده در اشیای محسوس و نامحسوس تکرار می‌شود.

کسانی که در این زمینه مهارت دارند، ادعا می‌کنند اگر به فردی بگویند: بیمارش شو بیمار می‌شود و یا اگر بگویند: شفا پیدا کن شفا پیدا می‌کند، لا حول و لا قوة الا بالله.

و باید خانه را به شیوه «فنگ شویی» چینی و «سته‌بایتا ودای» هندی و یا به روش فرعون‌ی اسلامی شده «بیو ژئومتری» طراحی کنند! این روش‌های طراحی و دکوراسیون بر اساس استفاده از خصوصیات روحانی ادعا شده موجود در سنگ‌ها و مجسمه‌هایی مانند: شیرهای معبد برای محافظت و قورباغه شش‌پا برای جذب ثروت هستند. اشکال هندسی و ویژگی‌های آن نیز در جذب انرژی مثبت مانند: انرژی «عشق و صلح» و دور کردن انرژی منفی مانند: «کینه و نفرت» به وسیله اهرامی که مانند آنتن عمل می‌کنند در جذب انرژی کیهانی «چی» عمل می‌کنند. برای اسلامی‌سازی این شرکتیات و

بت پرستی‌ها برخی از طراحان مسلمان مجسمه‌ها را حذف می‌کنند و برخی از آنان نیز بعضی مفاهیم اسلامی را به آن اضافه می‌کنند مانند اینکه: توجه به جهت قبله در طراحی حمام‌ها و وضعیت تختخواب اضافه می‌کنند.

ماکروبیوتیک فلسفه‌ای جامع است که شامل انواع شرک و بت پرستی و جادو و فریب از بت پرستی‌های باستان و عصر جدید می‌شود، با این حال در این کشورها بسیاری از افرادی که به ظاهر افرادی نیک و صالح‌اند، به دلیل اینکه فریب برخی منافعی را خورده‌اند که با دنبال کردن این رژیم غذایی برایشان حاصل شده است، به ترویج آن می‌پردازند.

با اینکه تحقیقات علمی بسیاری ثابت کرده‌اند که پایبندی به این رژیم برای سلامتی و ذهن زیان‌آور و آسیب‌رسان است، زیرا تعادلی صحیح در بین گروه‌های غذایی که عقل سلیم بر اهمیت آن‌ها تأکید می‌کند، وجود ندارد و این امر با فرموده‌های صحیح در سنت نبوی که در رابطه با خوراک و نوشیدنی است، موافقت دارد. اما شیطان این امر را طوری برای آن‌ها آراسته است که این تأثیر را فقط به ماکروبیوتیک نسبت می‌دهند!

اگر آن‌ها می‌دانستند تنظیم تغذیه و پایداری به هررژیمی همراه با ورزش به طور قطع بر سلامتی، سرزندگی و صفای ذهن تأثیر می‌گذارد، چگونه به عنوان یک مسلمان می‌توانند این امر را با دعا و نماز ترکیب کنند؟

۲- از طریق تمرینات ریکی:

روش «ریکی» در ژاپن به دست «میکائو اسویی» بنیان نهاده شد. این روش ابتدا به مطالعه معجزات درمانی در نصرانیت و در بودیسم مربوط می‌شد. میکائو اسویی پس از مطالعه و روزه‌ای بیست و یک روزه اصول آن را مطرح کرد و چنانکه ادعا می‌شود او توانست «انرژی شفابخش کیهانی» را به درون خود وارد کند و سپس شروع به درمان دیگران کرد!

«ری» انرژی نیروی زندگی در بدن است و در دستگاه انرژی در کالبد اثیری قرار دارد و «کی» نیز انرژی الهی کیهانی یا همان «انرژی شفابخش است. پس از اینکه «چاکراها» توسط کارشناس انرژی یا «جادوگر» باز شوند، تمریناتی برای پاکسازی مسیرهای انرژی در کالبد اثیری صورت می‌گیرد. برای اطمینان از

جریان یافتن کامل انرژی در بدن بر اساس تنفس تحول آفرین و مدیتیشن ارتقایی، این تمرینات در محیطی آرام و با نور ملایم و در حالت آرامش کامل صورت می گیرد و با تک تک اعضای بدن صحبت می کند: «ریه های من چطور هستید؟ آیا خوب و کاملاً سالمید؟... معده من حالت چطور است؟...». این ارتباط با اندام های بدن با تمرکز بر درون و تجسم آن عضو و تصور کردن رنگ آن و محیط اطرافش همزمان با حفظ داشتن احساس صلح و عشق برای همه مردم و تمامی زمین بدون استثنا و زوده شدن کامل «انرژی های منفی» از بدن انجام می گیرد.

آن ها ادعا می کنند پس از آن انسان با جسم خود هماهنگ می شود و «انرژی کیهانی» به آرامی در وجود او جریان می یابد و او بهبودی کلی در سلامتی و فعالیت و تعالی روحی خود احساس خواهد کرد.

با این تمرین روزانه و با پذیرش اصول اخلاقی که یکی ترویج می کند، انسان به سطح بالایی از معنویت می رسد که او را قادر می سازد با خشوع و آرامش خاصی نماز بخواند، به ویژه هنگامی که به «چاکراهای» بالایی که مرتبط با

معنویات است اهتمام ویژه‌ای ورزدا! سلامتی او بدون مصرف داروها و جراحی‌ها بهبود می‌یابد و غالباً به آن‌ها نیازی نخواهد داشت، زیرا بدن او با او دوست شده و با ذهن و روح و درونش هماهنگ شده است. اخلاق او نیز به دلیل تأثیر این تمرینات بر مهار خشم او و دور کردن انرژی‌های منفی مانند نفرت و غیره به سطح بالاتری خواهد رسید.

به تدریج فردی که تمرین می‌کند (یعنی فعال ریکی) روحانی‌تر، آرام‌تر، متعالی‌تر و سرشار از محبت نسبت به همهٔ مردم می‌شود!

او صاحب نیروی شگفت‌انگیزی می‌گردد که به او این امکان را می‌دهد شخص بیمار را به وسیلهٔ لمس با دستان خود و یا ارسال انرژی قوی از راه دور درمان کند، حتی از طریق اینترنت یا تلفن، به شرطی که بر زمان آن توافق شود و مربی نام بیمار و نام مادر او را بداند!

۳- از طریق تمرینات چی کونگ:

چی کونگ مجموعه‌ای از تمرینات چینی بر اساس جذب و هدایت انرژی کیهانی «چی» است که در کالبد اثیری انسان جریان می‌یابد تا با سایر کالبد‌های او و با انرژی کیهانی هماهنگ شود. دوره‌های «چی کونگ» در چند سطح برگزار می‌شود و هر سطحی شامل بخش‌های مختلفی است و هر کدام حاوی تمرینات مخصوصی جهت مطالعه کالبد اثیری و آشنایی با محل «چاکراها» و تمرین ماساژ کامل به تدریج در طی روزها است، همچنین حاوی درک فلسفه متضاد و هماهنگ «یین و یانگ» با رعایت رژیم و آداب غذایی ماکروبیوتیک می‌باشد.

سپس تمرینی برای آرام‌سازی که «فان سونگ کونگ» نام دارد در نوری ملایم و در آرامش همراه با صدای یکنواخت و تنظیم تنفس با تمرکز بر تصور کردن درون آغاز می‌شود به گونه‌ای که تنها صدای مربی و صدای نفس کشیدن شنیده می‌شود. سپس تمرینات ورزشی آرامی به نام «کونگ جی فا» انجام می‌شود که در آن داشتن احساس صلح و عشق به تمام جهان مورد توجه

است و همچنین بر دور کردن انرژی‌های منفی از بدن و و در نهایت جذب انرژی کیهانی از بالا توجه می‌شود که باید تصور کرد این انرژی به شکلی قوی از درگاه بالایی سریعی از «چاکرای» سر در حالی که چشم‌ها بسته است و به صورت دایره‌ای آن را می‌چرخانند، وارد می‌شود. با جابجایی تمرکز و قرار دادن دست روی هریک از منافذ انرژی یعنی «چاکراها» فرد باید عضو مرتبط با هر چاکرا و محیط آن را تصور کند که با هر دم از انرژی «چی» و همهٔ احساسات مثبت پُر می‌شود و با هر بازدم انرژی‌های منفی را دفع می‌کند. با این حال باید توجه داشت که در هنگام تمرین بر روی قلب و مغز نباید انرژی «چی» را مستقیماً به سمت این دو عضو هدایت کرد، زیرا این کار خطرناک است و باعث آسیب به این دو عضو می‌شود.

این‌ها تمرینات بخش اول از سطح اول دوره‌های «چی‌گونگ» هستند که آن دسته از افرادی که از وضعیت سلامتی خود، بیماری‌های صعب‌العلاج و بیماری‌های مرتبط با کهولت سن نگرانند، به شدت به آن‌ها روی می‌آورند. همچنین، تعدادی از مبلغان دینی و مربیان نیز برای تقویت انرژی، احساس

معنویت، و ادامه دادن به مسیر دشوار تربیت و دعوت به این دوره‌ها جذب می‌شوند. مربیان ادعا می‌کنند که با ادامه تمرینات و پیشرفت در سطوح مختلف، بدن سالم، حالات معنوی متعالی، اخلاق نیکو و ذهن تیزبین و درخشان می‌شود. (اما آنچه مربیان مسلمان نمی‌گویند این است که سرنوشت نیز به همین ترتیب امن و تضمین شده می‌شود، زیرا فرصت‌های رسیدن به روشنایی و نجات از سرگردانی روح با افزایش احساسات صلح و محبت که وجود، عقل و روح را فرا می‌گیرد، بیشتر می‌شود و فرد را از نفرت، جدال و جنگ‌ها دور می‌کند).

۴- از طریق تمرینات و انرژی درمانی

طب انرژی دوره‌هایی با فنون «NLP» [یا همان برنامه ریزی عصبی-زبانی] یا به صورت مستقل ارائه می‌دهد که شامل دوره‌هایی است که کالبد اثیری و سیستم انرژی و مغز و تقسیمات خودآگاه و ناخودآگاه را به طور مفصل توضیح می‌دهد. همچنین شامل تمرینات تصور و تجسم، آرام‌سازی، تمرکز بر چشم سوم در میان «دو ابرو» و دریافت «انرژی مثبت طبیعت» از جهان و

احساس جریانِ آن در بدن می‌باشد. ادعا می‌شود که این دوره‌ها شخص را قادر می‌سازد که انرژی را تنها با تمرکز و تصور آن به شکل پرتویی سفید از فردی به فرد دیگریا به سمت هر کسی که بخواهد از راه دور ارسال کند. در این فرآیند بسیار مهم است که شخص فرستنده تمام افکار، صداها و افراد اطراف خود را نادیده بگیرد! آن‌ها همچنین ادعا می‌کنند که شخص می‌تواند انرژی مثبت را در میان کف دستان خود جمع کند و با آن «توپ عشق» بسازد و آن را با ملایمت به سوی هر کسی که بخواهیم پرتاب کند و سپس مشاهده می‌کنیم که او با نیروی انرژی مثبت عشق به سمت ما جذب خواهد شد. آن‌ها بر لزوم آموزش به دست یک مربی باتجربه انرژی و در محیطی که افراد در آن احساس راحتی کنند، تأکید می‌ورزند، زیرا این تمرینات دارای تکنیک‌های خطرناکی است که ممکن است در صورت افزایش بیش از حد انرژی به آسیب‌های جسمی و روانی منجر شوند و نیز ادعا می‌کنند که برخی افراد با جریان یافتن نامتعادل انرژی کیهانی در بدن خود دچار فلج شده‌اند!

برای هر روز تمرینی ویژه وجود دارد که بر روی یک «چاکرای» خاص تمرکز می‌کند و شامل شناخت رنگ مورد علاقه آن چاکرا، عضو مرتبط و حس تأثیرگذار بر آن می‌شود تا بهره‌وری کاملی برای هماهنگی کامل با جهان و طبیعت به دست آید. پس از این تمرینات، افراد تمرین‌کننده احساس آرامش و عشقی عمیق نسبت به کل جهان و تمام انسان‌ها فارغ از هر جنسیت، کشور یا دینی را تجربه خواهند کرد!

۵- از طریق مدیتیشن متعالی و ارتقایی:

این مدیتیشن بر اساس تمرینات تنفس عمیق است که ورود انرژی «پرانا» به داخل بدن یعنی «شکم» را تضمین می‌کند و تنفس از طریق دهان صورت می‌گیرد و نه بینی، زیرا دهان بزرگ‌تر است. با چشمان بسته و حرکت دَوَرانی مردمک چشم‌ها، تمرکز بر عمل دم و بازدم صورت می‌گیرد. این تمرینات باید تحت نظارت یک مربی با تجربه باشد تا زمان دم و بازدم و انتقال تنفس از دهان به بینی تنظیم شود، سپس جابجایی بین سوراخ‌های بینی صورت گیرد تا تغذیه متعادلِ هر دو نیم‌کره مغز از انرژی کیهانی «پرانا» تضمین شود.

همچنین این روش بر تمرینات آرام سازی مبتنی است که از طریق تأمل درونی انجام می شود تا فرد به حالت خلسه و نیروانا یعنی به ادعای آنان به «هماهنگی با انرژی کیهانی» دست یابد.

بنابراین دوره های مدیتیشن ارتقایی شامل: تمرینات معنوی برگرفته از ادیان شرقی و مناسک هندوئیسم هستند که «مهاریشی یوگی» - هندوی مدعی الوهیت - در سال ۱۹۵۵م شیوه معاصر آن را بنیان نهاد. کلمه (Transcendental Meditatio) به (TM) اشاره دارد و به معنای مدیتیشن ارتقایی است که با نام «مهاریشی یوگی» به ثبت جهانی رسیده است، به همین دلیل توسط دادگاه منطقه ای نیوجرسی آمریکا در ماه اکتبر سال ۱۹۷۷م این روش به عنوان یک فعالیت و علم دینی دسته بندی شد و آموزش و تمرین آن در مدارس عمومی ممنوع اعلام گردید.

مدیتیشن ارتقایی فعالیتی است که به باور طرفدارانش، هدف از آن ارتقا و تعالی، دستیابی به آرامش کامل و پس از آن رسیدن به نیروانا است. ارتقای مورد نظر آنان همانگونه که ادعا می کنند؛ ارتقا از طبیعت انسانی و گذر از

صفات بشری و رسیدن به صفات خدایان یعنی «بت‌ها» است. دوره‌های آن بر اساس مهارت در تنفس و تمرکز نگاه در برخی اشکال هندسی و نمادها و ستارگان (که نماد چاکراها هستند) و تجسم یکی شدن با آن‌ها به همراه تکرار سرودهایی یا شنیدن نوارهایی از این سرودها با تأمل و در حالت آرامش می‌باشد. بسیاری از این سرودها حاوی استمداد از بت‌های گوناگونی نظیر: (اوم... اوم... اوم) است.

نسخه‌ای از مدیتیشن ارتقایی در سرزمین‌های اسلامی ارائه شده است که تفاوت چندانی با آن ندارد و تنها تلاش‌هایی برای «اسلامی‌سازی» آن صورت گرفته است مثلاً: تغییر سرودها به واژگانی بی معنا همچون: بلوط... بلوط... بلوط... یا کلماتی با معنای معنوی مانند: الله... الله... الله... أحد... أحد... أحد... جایگزین آن می‌شود. به منظور فریب مردم یا از روی ناآگاهی ادعا می‌کنند - الله هدایتشان دهد - که این سرودها «مانترای» اسلامی است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و صحابه آن را می‌شناختند و بلال بن رباح رضی الله

عنه در صحرای مکه آن را تکرار می‌کرد و این به او نیروی کیهانی می‌بخشید تا شکنجه‌ها و مصیبت‌های سخت آن دوران را تحمل کند.

۶- از طریق دوره‌های برنامه‌ریزی عصبی-زبانی:

برنامه‌ریزی عصبی-زبانی که نماد اختصاری غربی آن «NLP» است؛ ترکیبی از علوم و فلسفه‌ها و اعتقادات و تمریناتی است که هدف از تکنیک‌های آن، بازسازی تصویر واقعیت در ذهن انسان از طریق تغییر اعتقادات و درک‌ها و تصورات و عادات و توانایی‌ها است. تا جایی که این تغییرات در درون فرد و ذهن او جای می‌گیرد و در رفتارهای او انعکاس می‌یابد. مربی وایت وود اسمال می‌گوید: «NLP عبارت از مجموعه‌ای از چیزهای مختلف است و هیچ چیز جدیدی در NLP وجود ندارد. ما چیزهایی را که در جاهای مختلف موفق بوده‌اند، گرفته‌ایم و آن‌ها را با هم ترکیب کرده‌ایم». در ظاهر تکنیک‌های NLP به بهبود توانایی فردی در ارتباط با دیگران و تقلید از افراد موفق می‌پردازد، اما در باطن این تکنیک‌ها بر هیپنوتیزم ذهن خودآگاه با به وجود آوردن حالات تغییر یافته آگاهی تمرکز دارند تا برخی افکار (مثبت یا منفی) را در آنچه «ذهن

ناخودآگاه» نامیده می‌شود به دور از تسلط عقل نهادینه کنند. از دیدگاه طرفداران غربی این تکنیک‌ها که به بت‌پرستی جدید تمایل دارند، اهمیت خروج از «آگاهی هوشیار» و ورود به «آگاهی ناهوشیار» از طریق حالات «آگاهی تغییر یافته» را تبیین می‌کنند که این انتقال به فرد احساس آرامش، اطمینان و همبستگی با «آگاهی کامل» در جهان را می‌دهد!

در برخی سطوح پیشرفته - در برخی مدارس NLP - فلسفه انرژی و سیستم اثیری فرضی آن مورد توجه قرار می‌گیرد و در آن تمرینات تنفس و مدیتیشن برای بهره‌گیری از این انرژی آموزش داده می‌شود. علاوه بر خطرات موجود در دوره‌های «NLP» این دوره‌ها دروازه‌ای برای ورود به دوره‌های دیگری هستند که بر فلسفه جذب «انرژی کیهانی» - که ادعای باطلی است - تکیه دارند که شامل تکنیک‌های «معنویت عصر نو» و بت‌پرستی نوین می‌شود. پس از فعال کردن کامل انرژی‌های نهفته، فرد به تمرین بر اساس تمرینات جذب «انرژی کیهانی» تشویق می‌شود و پس از آن او صلاحیت شرکت در دوره‌های آموزشی

استفاده از انرژی‌ها و نیروهای اجدادی از طریق یادگیری هونا و شمنیسم و تاروت و... را پیدا می‌کند.^۳

«کریستین هولبوم» در مقاله‌ای با عنوان: درمان با طب انرژی، شمنیسم و NLP که در مجله (آنکُر پوینت) که مربوط به NLP می‌باشد در ماه آگوست سال ۱۹۹۸م گفته است:

طب انرژی بر اساس شناخت بیماری‌ها بنیان نهاده نشده است بلکه بر اساس پرسش‌های زیر تأسیس شده است:

مأموریت شما در زندگی چیست؟ چرا در این زندگی و در این جسم و بدن به وجود آمده‌اید؟ آرزوهای شما چیست و چگونه می‌توانید به آن‌ها دست

۳- هونا: یک کلمه از زبان هاوایی به معنی راز است. این نام فرهنگ و مکتب و شیوه تفکری مردمان هاوایی است.

شمنیسم: شمن باوری یکی از روش‌های جادوپزشکی است.

شمن باوران معتقدند که به وسیله تماس با ارواح، می‌توان بیماری و رنج افراد را تشخیص داد و درمان کرد یا در افراد ایجاد بیماری و رنج کرد.

تاروت: مجموعه‌ای از کارت‌هاست که برای فال‌گیری و پیشگویی به کار می‌رود. (مترجم)

یابید؟ این موضوع نشان می‌دهد که این نام‌گذاری به عنوان طب و درمان و شفا در واقع تنها یک پوشش ظاهری است که مردم آن را می‌شناسند، اما در باطن بر فلسفه‌های شرقی و غربی استوار است.

چیزی که باید به آن توجه کرد این است که منبع «انرژی کیهانی» فلسفه «تائوئیسمی» از ادیان چین باستان است. با توجه به برداشت تحریف شده این فلسفه از جهان و زندگی، علاوه بر توحید الوهیت، به توحید ربوبیت و توحید اسما و صفات نیز خدشه وارد می‌شود. افزون بر این برنامه‌ها، افرادی را که در گذشته و حال دجال و ساده‌لوح بودند را به عنوان حکما و معلمان «روشنفکر» معرفی می‌کند. این برنامه‌ها همچنین نمونه‌هایی از دجالان و مدعیان در گذشته و حال را به عنوان حکما و معلمان «روشنفکر» معرفی می‌کنند. این تفکر از طریق رسانه‌ها، به‌ویژه شبکه «نیو» و برنامه‌های دجال معاصر مانند «مریم نور» که مداوم به ستایش حلاج، ابن عربی، و بودا می‌پردازد، ترویج می‌شود. او این افراد را در کنار علی بن ابی‌طالب، پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - و مسیح علیه السلام به نیکی یاد می‌کند.

علاوه بر این، از دیگر دجالان معاصر مانند «سای بابا»، «مهارشی» و «دالایی لاما» که به «روشن ضمیری» رسیده‌اند و ادعای الوهیت دارند و میلیون‌ها پیرو در شرق و غرب دارند، نیز یاد می‌شود! همچنین ذکر این نکته حائز اهمیت است که ملتزمان و ترویج‌کنندگان این برنامه‌ها در قالب آموزش و روش‌های درمانی در سراسر جهان، پیروان فرقه «نیو ایج» یا «معنویت عصر نو» هستند که یکی از بزرگ‌ترین فرقه‌های بت‌پرستی جدید در غرب به شمار می‌آیند. مجله نیویورک تایمز در شماره‌ای که در ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۸۶م منتشر کرد؛ در مقاله‌ای با عنوان «مبادی روحی، نسل جدیدی از پیروان را جذب می‌کند» به معرفی این فرقه و بیان روشن آن‌ها به طور خلاصه پرداخته است: پیروان «معنویت عصر نو» ادعا می‌کنند که وارد دوره جدیدی از فهم و بلوغ فکری شده‌اند که شبیه به عصر رنسانس پس از قرون وسطی در اروپا است. آن‌ها به آن‌چه در اذهان پیروانشان از افکار و عقاید از جمله ادیان آسمانی و دیگر باورها به وجود می‌آید یا باقی می‌ماند، توجهی نمی‌کنند، بلکه تمرکز آن‌ها بر افزودن ایده‌ها و کاربردهای جدید است. دلیل این بی‌توجهی، باورشان به این

است که روش جدید آن‌ها با گذشت زمان می‌تواند مفاهیم تازه را تثبیت کرده و مفاهیم قدیمی را از بین ببرد، به همین دلیل می‌بینیم که بر ابزارهایی که با دقت طراحی شده‌اند، تمرکز می‌کنند مانند:

- تأثیرگذاری بر عقل از طریق برنامه‌هایی مشابه «NLP»

- تأثیرگذاری بر درون از طریق «ریکی» و برنامه‌های مشابه مرتبط با انرژی

- تأثیرگذاری بر بدن از طریق برنامه‌های ماکروبیوتیک و آیورودا و مانند آن

- تأثیرگذاری بر روح از طریق برنامه‌هایی مانند یوگا و هونا

جامعه‌شناسان پدیده گسترش فرقه «نیو ایج» را به عنوان پاسخی به نیاز مؤسسات تولیدی مدرن به ارزش‌ها، ابتدا در سطح فردی و سپس در سطح سازمانی تفسیر می‌کنند. آن‌ها گم‌شده خود را در ضمن اهداف «اقتصادی» خود در ایده (نیروی انرژی حیات): (Life Energy Force) یافته‌اند. بر اساس این ایده، هماهنگی ما با این نیرو، شادی و صلح و وحدت را در جهان جدید به ارمغان می‌آورد. برای تغییر مردم لازم است ادراک و آگاهی آن‌ها تغییر یابد که

این کار با افزودن برخی تکنیک‌های روانشناختی به زندگی آن‌ها انجام می‌شود، مانند: مدیتیشن (بر اساس مفاهیم بودایی)، هیپنوتیزم و سرود خوانی (بر اساس مفاهیم هندوئیسمی)، تغذیه (بر اساس مفاهیم تائوئیسمی) و عزلت‌نشینی و بهره‌گیری از ارواح و موجودات دارای نیروی روحانی (مانند بت‌ها و سنگ‌های قیمتی و رنگ‌ها و الهه‌ها).

روانشناسانی که این برنامه‌ها را مطالعه کردند، معتقداند که شرکت کنندگان این برنامه‌ها در «حالتی از دگرگونی: (Altered State)» قرار دارند که به رهبران گروه‌ها این امکان را می‌دهد که بر روش تفکر آن‌ها تأثیر بگذارند و افکار مورد نظر خود را برای افزایش تولید بکارند. سپس این‌ها مهم‌ترین روش‌ها و تمریناتی هستند که در همه کشورهای جهان و از جمله کشورهای عزیز اسلامی به صورت دوره‌های آموزشی یا درمان‌های پزشکی و ورزش‌ها ارائه می‌شوند. علاوه بر آن چیزهای بسیار دیگری نیز وجود دارد مانند عکس‌خوانی ذهنی، سفر به خارج از جسم و بدن که در قالب علوم باطنی و مبتنی بر فلسفه‌های «انرژی کیهانی» ارائه می‌شوند. آن‌ها ادعا می‌کنند که

هدف مورد نظر در این روش‌ها به طور مستقیم، هماهنگی جسم و روح و عقل و روان با جهان هستی و پیشرفت و ترقی در آن و اتحاد و همبستگی با آن و همچنین دریافت انرژی کیهانی از آن است. مربی مسلمان ریکی می‌گوید: «تمرین کن تا با عقل کُل متحد شوی در حالی که ریکی در درون تو جاری است».

مربی مسلمان برنامه‌ریزی عصبی و انرژی می‌گوید: هدف ما از آرام‌سازی و مدیتیشن مثبت رسیدن به «نیروانا» است و آنچه در کتاب تنفس تحول‌آفرین که توسط مربی تنفس تحول‌آفرین که یک زن مسلمان است، ترجمه شده آمده است: «مرحله نهایی در جلسه تنفسی به ارتقاء به سطوح بالاتر از ادراک مربوط می‌شود. می‌توان به این مرحله از طریق دعا و فضای حیاتی که با تنفس ایجاد می‌شود، رسید. بدون تردید، خود را در حالت آرام‌سازی و مدیتیشن عمیق پیدا خواهید کرد و حتی ممکن است یک تجربه روحانی را نیز تجربه کنید».

کارشناس مسلمان انرژی و ماکروبیوتیک در تعریف کتاب ترجمه شده خود «علم انرژی‌های نه‌گانه» می‌گوید: «در این کتاب کشف خواهید کرد که به کدام نوع از ستارگان تعلق دارید و با کدام دسته از افراد بیشتر هماهنگ هستید و اینکه چه کسی شریک ایده‌آل شما است و همچنین به این پی خواهید برد که کدام زمینه کاری یا حرفه برای شما مناسب‌تر است و در چه زمانی و در چه جهتی مسافرت کنید یا مسافرت نکنید و کدام سال‌ها و ماه‌ها برای تحقق رؤیاهایتان بهترین زمان هستند».

امام ابن تیمیه رحمه الله هنگام اظهار نظر در مورد عمل فیلسوفان عصر خود که به ترویج این فلسفه‌ها می‌پرداختند اظهار نظر کرد، به درستی می‌گوید: «این انتخاب‌های اهل ضلالت به جای استخاره‌ای است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به مسلمانان آموخت و ستاره‌شناسان نیز انتخاب‌های خود را دارند...» او همچنین با بیان حقیقت کار این افراد و خطری که برای امت دارند، می‌گوید: «آنها در دین اسلام نه از شرک نهی می‌کنند و نه توحید را واجب می‌دانند، بلکه شرک را مجاز می‌شمارند یا به آن امر می‌کنند یا توحید را

واجب نمی‌دانند... هر شرکی که در جهان روی داده است به دلیل رأی و نظر گروه‌هایی مانند آنان بوده است، زیرا آن‌ها شرک را بر اساس نیرو و طبایع موجود در ارواح و اجساد پایه‌گذاری کردند و بر این باور بودند که صنعت طلسم و بت‌ها و پرستیدن آن‌ها باعث جلب منفعت و دفع زیان می‌شود، بنابراین آن‌ها به شرک فرمان می‌دهند و خود نیز آن را انجام می‌دهند و هر کس از آن‌ها که به شرک فرمان ندهد، دست کم از آن نهی نیز نمی‌کند».

امام ذهبی رحمه الله در هشدار از روش این افراد و بیان راه صحیح برای سلامتی و شادی و معنویت می‌گوید:

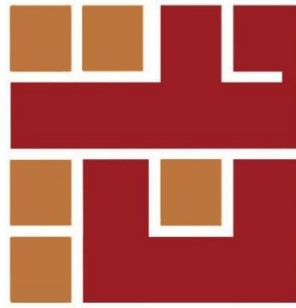
«روش صحیح، روش محمدی است یعنی استفاده از چیزهای پاکیزه و بهره‌برداری از لذت‌های مباح بدون اسراف. زنان محبوب‌ترین چیز در نزد پیامبر ما - صلی الله علیه وسلم - بودند و همچنین گوشت، شیرینی، عسل، نوشیدنی شیرین و خُنک و مشک نیز جزو محبوب‌ترین‌ها در نزد ایشان بود. او - صلی الله علیه وسلم - بهترین خلق و محبوب‌ترین فرد نزد الله متعال بود اما عابدی که از علم بی‌بهره است وقتی زهد پیشه می‌کند و به ریاضت

می‌پردازد، گرسنگی می‌کشد و خود را از جامعه دور می‌کند، از گوشت و میوه‌ها دوری می‌کند و به کمترین چیزها مانند مانند مقداری نان خشک و آب اکتفا می‌کند و حواس او به شدت حساس و لطیف می‌شود. به دلیل ریاضت، خیالات و وسوسه‌های درونی به سراغ او می‌آید. این خیالات ممکن است به گونه‌ای باشد که او گمان کند صدایی می‌شنود و یا پیام‌هایی دریافت می‌کند که در واقع نتیجه گرسنگی و کم‌خوابی است. شیطان در درون او نفوذ کرده و خارج می‌شود و او را فریب می‌دهد تا باور کند به مقام بالایی رسیده است و مورد خطاب الهی قرار گرفته است و به درجات معنوی بالایی دست یافته است، بنابراین شیطان بر او تسلط می‌یابد و او را وسوسه می‌کند و این فریب می‌تواند به جایی برسد که او فکر کند ولی خدا شده و دارای کرامات و قدرت‌های خارق‌العاده گشته است!».

درخواست ما به عقلای امت، از جمله متخصصان در زمینه‌های طب، روان‌شناسی، علوم طبیعی و همچنین علما در زمینه‌های شریعت و اعتقادات این است که این موضوع را با دقت بررسی کنند و مردم، رسانه‌ها، مؤسسات

تبلیغاتی، آموزشی و پرورش، نهادهای دولتی و سازمان‌های نظارتی را از خطرات این اندیشه‌های جدید و تأثیرات منفی آن‌ها بر دین، نفس، عقل و جامعه آگاه سازند. هر فرد یا نهاد باید طبق تخصص و روش و منبر خود به مقابله با این مسائل بپردازد، زیرا این اندیشه‌ها در چارچوب‌های مختلف و به اشکال گوناگون در حال گسترش هستند و نیاز به آگاهی سریع برای حفاظت از عقل و قلب امت و دفاع از حریم توحید وجود دارد.

علم انرژی باطنی |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies